

پیروزی؛ میراث تدبیر

فضای مجازی در تسخیر ستایش از سیاست‌های امام خامنه‌ای



کاظم جلالی

سفیر ایران در روسیه

در بهار پیروزی جای رهبر شهید و شهیدای خالی. در ۴۰ روز هجوم بی‌سابقه متجاوزان و مقاومت خستگی‌ناپذیر ملت ایران، تمدن ایران عظمت خویش را به رخ برغان قدر قدرت کشید و آنان را به زانو در آورد. پیروزی امروز مروهان مقام معظم رهبری، ایستادگی ملت غیور، شجاعت بی‌نظیر نیروهای مسلح و درایت دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران است. نبردی را که آنان با تقاضای اصول بین‌المللی بر ایران تحمیل کردند و همه تسوان خود را به میدان آوردند، ایران با طرح ۱۰ ماده‌ای خود پایتاز را رقم زد.

پذیرش اصول ایران

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران

آتش‌بس با پذیرش اصول کلی مورد نظر ایران، نمره خون رهبر شهیدمان، خامنه‌ای بزرگ و دستاورد حضور همه مردم در صحنه بود. از امروز نیز همچنان کنار هم خواهیم ماند، چه در میدان دیپلماسی، چه در میدان دفاع، چه در صحنه خیابان و چه در عرصه خدمت‌رسانی. #بهم‌یودنمان پیروزی است

جامعه امروز

از نیمه شبی که خبر آتش‌بس و پذیرش شروط جمهوری اسلامی ایران برای برقرار شدن آتش‌بس منتشر شد، برخی از شخصیت‌های سیاسی این موفقیت را موهون عمل به دستورات و رعایت توصیه‌های رهبر شهید انقلاب دانستند و در فضای مجازی تأکید کردند که پیروزی در مقابل آمریکا و اسرائیل نتیجه خون رهبر شهید انقلاب است.

در گوشه و کنار شبکه

فتح بزرگ! ترامپ با تمام گزافه‌گویی‌هایش در نهایت مجبور شد شروط ۱۰گانه ایران را بپذیرد. این همان وعده صادق الهی است. آمریکای زورگو در برابر غیرت ملت ایران زانو زد. #آمریکا شکست خورد.

وعده صادق رهبر شهید: رئیس‌جمهور آمریکا در یکی از صحبت‌های اخیرش گفته ۴۷ سال است که آمریکا نتوانسته جمهوری اسلامی را از بین ببرد. این اعتراف خوبی است. بنده می‌گویم تو هم نخواهی توانست این کار را بکنی. #آمریکا شکست خورد.

رهبر شهید انقلاب: به توفیق الهی آمریکا به وسیله جبهه مقاومت از منطقه خارج خواهد شد. #آمریکا شکست خورد.

در تاریخ بنویسید ترامپ در شبی که قرار بود ملت ایران را نابود کند تسلیم شروط ایران شد. به فرموده رهبر شهیدمان: خودتان را برای نظم جدید جهان آماده کنید...

رهبر شهید انقلاب: آمدند شرارت کردند کتک خوردند و دست‌خالی برگشتند.

وعده صادق

علی حدیدی کارشناس ارتباطات

گذشت آن زمانی که ایران دوران پهلوی در مقابل استعمارگران دست‌بسته و ضعیف بود. امروز در مقابل شرارت آمریکا و اسرائیل علیه زیرساخت‌های ایران، ضربات کوبنده و بیرانگر بر منافع و پایگاه‌های دشمن وارد خواهد آمد. تحولات به‌سوی پیروزی نهایی ملت ایران پیش می‌رود به اذن‌الله.

سقوط آمریکا

مهران کریمی پژوهشگر معارف اسلامی

مردمی با عقاید متفاوت: از زن و مرد تا پیر و جوان که همه ریشه دار ایرانی‌اند! آنها که دست‌به‌دست هم داده و به دور داشته‌های وطن، انسانی‌ترین زنجیره دفاعی را ساخته‌اند. تصاویر و ویدئوهای این زنجیره حالا پس از

رهبر شهید به ما جرأت داد

محمد احسان خرامید رئیس مرکز اطلاع‌رسانی وزارت ارتباطات

قمار باز باخت. توان موشکی از بین نرفت و تقویت شد. جنگ داخلی به وحدت بدل شد. تجزیه نشدیم که هیچ، متحد تر شدیم. جزایر، ایرانی بود و ایرانی ماند. در حسرت سرت اورا انبوم هم ماند و طپس تکرار شد. مردم، پیروزی مبارک. رهبر شهیدم، ممنون از جرأتی که به ما دادی. رهبر عزیزم، ممنون از تدبیر شما.

شوق خطر

عبدالرضا رحمانی فضلی سفیر ایران در چین

این خامنه‌ای بود که به ما شوق خطر داد. این ذلت دشمن که ببینی اثر اوست...

ترامپ به دام افتاد

میشل کولون تحلیلگر بلژیکی

رهبر ایران پیش‌بینی‌ها را انجام داده بود. یا سخ‌های نظامی از پیش طراحی شده بود. تدبیر رهبر فقید ایران باعث شد باند بی‌بی‌خود ترامپ را به دام بیندازد.

احیای اقتدار

علی اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب

تنگه هر مز به روی جهان باز است اما همیشه به روی دشمنان مردم ایران و پایگاه‌های آنان در منطقه بسته می‌ماند. اقتدار دوران صفویه احیا شده است.

نقش زنان در این ۴۰ روز بسیار پر رنگ بود؛ چه زبانی که هر شب با حضور خود همراه با فرزندان و خانواده‌شان صحنه اجتماعات خیابانی را خالی نکردند و چه آنهایی که مانند دختران سیستان و بلوچستان اسلحه به‌دست گرفتند و برای خونخواهی رهبر شهید، مادران و خواهران شهید این سرزمین برای دشمن رجز خوانی کردند. قصه رجز خوانی زنان در این جنگ برای دشمنان از انتشار فیلم کوتاهی از مادر اردبیلی که تازه از بیمارستان آمده بود و در داغ رهبر شهیدش، آتش به لب داشت و می‌گفت: مثل مادر وهب، فرزندم را فدای رهبر می‌کنم و آنچه را که داده‌ام هرگز پس نمی‌گیرم، شروع شد؛ او در این ویدئو فریاد می‌زد: روز عاشورا نبوم، امروز که هستم... خدا شاهد است نمی‌گذارم این پرچم بر زمین بماند، سپس مرگ بر خائن و مرگ بر آمریکا و اسرائیل سرمی‌داد. رجز خوانی که به اعتراف کارشناسان فرهنگی، اگر در گذشته مختص مردان رزمنده بود، امروز از زبان دختران و مادران ایران جاری شده و نقش آفرینی این قشر در جنگ است. به هر گوشه از صحنه دفاع مردم در این جنگ که نگاه می‌کردیم زنان حضور داشتند. درست مانند جنگ تحمیلی ۸ ساله. پشت جبهه‌ها، با پخت غذا برای نیروهای رزمنده و ایست بازرسی‌ها یا در عرصه درمان، امداد و خدمات‌رسانی.

زنجیره انسانی برای وطن

مردمی با عقاید متفاوت: از زن و مرد تا پیر و جوان که همه ریشه دار ایرانی‌اند! آنها که دست‌به‌دست هم داده و به دور داشته‌های وطن، انسانی‌ترین زنجیره دفاعی را ساخته‌اند. تصاویر و ویدئوهای این زنجیره حالا پس از

غیررسمی از رهبر شهید

نزدیکان رهبر شهید و چهره‌های مختلف از خاطرات کمتر شنیده‌شده در مورد آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای گفتند

حبه قندهای سفره ایرانی

رضا میرکریمی کارگردان سینما

سر صحنه فیلمبرداری بودم که مرحوم مسعود مصباح باقری کنی (داماد حضرت آقا) با تلفن همراه من تماس گرفتند و گفتند من حامل پیامی از حضرت آقا برای شما هستم... ایشان فیلم «یک حبه قند» شما را دیدن و اصرار داشتند که سریع به شما زنگ بزنم و بگویم این فیلم را بسیار پسندیدم. نام شخصیت اصلی فیلم، «پسندیده» است که او را «پسند» صدا می‌زدند و حضرت آقا با هوشمندی از عبارت «این فیلم را پسندیدم» استفاده کردند. پیش‌تر، بعضی به حضرت آقا گفته بودند این فیلم، فیلم مناسبتی نیست و حریم محرم و نامحرم، کمتر در آن رعایت شده اما ایشان همراه خانواده یک حبه قند را تماشا کرده بودند و تأکید داشتند «ما سر همین سفره‌ها بزرگ شدیم».

قابی از یک خانه ساده

کمیل خجسته برادرزاده همسر رهبر انقلاب

عکس‌هایی از منزل آقا منتشر شد که یک روز فرشی ساده در اتاق نشیمن و محل جمع شدن خانواده بود. این اتاق برای ما همیشه جای خوبی بود. در این اتاق نشیمن، یک میز پلاستیکی غذاخوری با صندلی‌های پلاستیکی قرار داشت. قبلا هم که میز نبود، روی زمین می‌نشستیم. بعد از اینکه عارضه کمر برای آقا پیش آمد، از این میز استفاده شد. این خانه ۱۳ اتاق داشت. ایشان به خانواده زندگی مردم بسیار توجه داشتند. برای نمونه، هنگامی که قیمت برخی کالاها در ایران بالا می‌رفت و خرید آنها برای مردم دشوار می‌شد، اجازه نمی‌دادند آن کالاها وارد خانه‌شان شود.

غذا پختن روی چراغ

علیرضا مرندی پزشک رهبر شهید انقلاب

شهید خامنه‌ای تازه رهبر شده بودند و چون هنوز محل اقامت‌شان حاضر نشده بود، ۱۳ اتاق در حوزه ریاست جمهوری برایشان در نظر گرفته بودند. همسرشان هر روز گوشت و سبزی و مواد غذایی تهیه می‌کردند و روی چراغ والور غذای خودشان و رهبر را تهیه می‌کردند... وقتی به هم دیدن ایشان می‌رفتم رهبر خودشان از سماور برایم چایی می‌ریختند. ما این اواخر خیلی توصیه می‌کردیم که باید میوه مصرف کنند و ایشان قانع شدند. بعد که از اطرافیان‌شان سؤال کردم که ایشان میوه مصرف می‌کنند یا خیر؟ گفتند رهبر در مورد قیمت میوه پرس و جو کرده‌اند و از آن ترش را هم گرفته‌اند، شاید مردم نتوانند مصرف کنند و حاضر نشدند برای‌شان تهیه کنیم... کل خانواده ایشان همینطور بودند. ایشان در یک در مانگانه معاینه می‌شدند و آزمایش‌ها هم در یک بیمارستان انجام می‌شد. رهبر وقتی به عمل جراحی پروستات نیاز داشتند گفتند فقط باید بیمارستان دولتی باشد تا خیلی در کار افراد دیگر پیش نیاید.

گروه گزارش | چهل روز از شهادت محافل و مجالس گوناگون خاطراتی از زندگی و دیدارهای رسمی و غیررسمی ایشان بازگو می‌شود؛ خاطراتی ناگفته و کمتر شنیده‌شده که تعدادی از آنها را از زبان نزدیکان و افراد مشهور مورو می‌کنیم.

پایتخت ایرانی تماشایی

سیروس مقدم کارگردان تلویزیون

برای پایتخت ۳ خدمت حضرت آقا رسیدیم؛ با جمعی از دوستان، خیلی صمیمی و خودمانی، مثل همیشه بسیار نکته‌بین و درست‌و‌باحصله صحبت‌ها را شنیدیم و با تک‌تک مهمانان آن جلسه گفت‌وگو کردن. در مورد پایتخت هم حدود ۱۰ دقیقه صحبت شد. ایشان فرمودند هر وقت سریال شما پخش می‌شود نوه‌ها میان و من رو می‌نسونن تا اونو ببینم. فرمودند از طرف من به گروه خسته نباشید بگید که تصویری درست از به خانواده ایرانی را به نمایش گذاشتن.

انگشتر طلبیده، مراد نبود

شهرام شکبیا مجری و طنزپرداز

شهرام شکبیا، مجری و طنزپرداز از جلسه دیدار رهبر شهید با جمعی از شاعران که او نیز حضور داشت خاطرهای جالب بازگو می‌کند. میانه جلسه بود که چشمم یکی از انگشترهای حضرت آقا را گرفتم. عرض کردم: آقا، تا قبل از تمام شدن جلسه و بذل و بخشش‌ها اون انگشتر کوچیک‌تون رو به کسی ندید تا ان شاءالله قسمت بنده بشه... حضرت آقا فرمودند: «این انگشتر اشکال فنی داره...» خجالت کشیدم چون آن انگشتر دقیقاً به‌دست راست‌شان بود که از ترور سال ۶۰ آسیب دیده بود. با خودم گفتم: «تکنه آقا از این نظر گفته باشن که در آوردن اون انگشتر از دست‌شان سخته» در هر حال، جلسه تمام شد و همگی دور حضرت آقا جمع شدیم. ایشان خطاب به من فرمودند: «آقای شکبیا از سال ۱۳۳۴ تا به الان چقدر می‌گذره؟» گفتم: «۷۵ سال» حضرت آقا دوباره فرمودند: «این انگشتر ۵۵ ساله که با منه. برای روز عقد من و حاج خانم است.»

پرسش و پاسخ مهم با یک نوجوان

فریدالدین حداد عادل برادر همسر آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای، رهبر انقلاب

رهبر شهید انقلاب معمولاً برای آغاز هر سال و عید نوروز به مشهد می‌رفتند. ما یک سال خانوادگی به مشهد مشرف شده و یک روز ناهار مهمان رهبر بودیم. آن روز در جمع ما هم علما و مقامات مشهدی حضور داشتند که بحث‌های جدی کاری خود را می‌گفتند. بعد از جلسه، یک نوجوان به حضورشان آمد و گفت من یک حرف خصوصی با شما دارم. ایشان به محافظی که در نزدیکی‌شان بودند گفتند آنها را تنها بگذارند. یک ربع صحبت خصوصی رهبر با این نوجوان طول کشید. در همان حال یک مقام دولتی به آنجا آمد که کار مهمی داشت. آقا گفتند برایش صندلی بگذارند و منتظر بماند. وقتی صحبت‌هایشان با آن نوجوان تمام شد و نزد مهمان رسمی خود رفتند، از نوجوان درباره صحبتش با رهبر پرسیدیم. او گفت سوالی داشتم در مورد نگاه به نامحرم و مشکلاتی که برای نوجوان‌ها پیش می‌آید و من فکر کردم هیچ‌کس بهتر از ایشان نمی‌تواند به سؤال‌هایم پاسخ دهد.